

روسری سیاه

هیلا صدیقی

جمعه ۱۹ فروردین ۱۳۹۰ - ۸ آوریل ۲۰۱۱

ترس نشسته در دلم
غم، زده درنگاه من
سهم من از زنانگی
روسری سیاه من

راز دلم نهان شده
پشت سر حجاب من
غرق گناهم تو بیا
باز بشو،
نقاب من
روسری سیاه من
سهم من از ستاره ها
دور زحل نشسته ای،
در گذر شراره ها
تیر نگاه هرزه ها،
حکم خلاصی که گرفت
نوبت حبس توو من،
زیرگره ها شل و سفت
روسری سیاه من ،
بخواب روی شانہ ام
خمیده پشت من بیا،
بدون پشت—وانہ ام
نقش سپید غصہ ها
زده به تار موی من
پود سیاه شو بیا
بیاف، آب روی من
نجابت شرقی من
قفل تنیده روی لب
بر آفتاب صورتم
نشسته سایه های شب
سهم من از زنانگی
روسری سیاه من
بپیچ دور گ—ردنم
بن—د راه آہ من
ترس نشسته در دلم
غم زده درنگاه من
سهم من از زنانگی

